

تبیین اعتبار رأی مردم در نظام مردم‌سالاری دینی با توجه به اشکالات

دموکراسی‌ها

مریم شمسایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۱۰ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۱۱ / ۱۵

چکیده

دموکراسی نوعی از حکومت است که امروزه اکثر کشورهای جهان جهت کسب مشروعیت و تداوم حیات سیاسی خود اذعان به داشتن آن دارند. دموکراسی پس از فروپاشی نظام کمونیستی به‌عنوان تنها حکومت بی‌بدیل و مطلوب‌ترین شیوه زیست سیاسی مطرح گردید لذا از لحاظ عقلی و عرف سیاسی به انگاره‌ای بدیهی و قطعی تبدیل شده است. معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین دموکراسی در جهان، دموکراسی غربی یا لیبرال دموکراسی می‌باشد که مفهوم و مصداق آن بر نگرش اومانیسیم مبتنی می‌باشد. از طرفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نوع دیگری از دموکراسی به دنیا معرفی گردید که آن نظام مردم‌سالاری دینی می‌باشد. علی‌رغم محاسن عدیده‌ای که نظام‌های مردم‌سالار دارند، این اشکال بزرگ را هم دارند که چون در یک فرایند مشخص، این عوام هستند که حرف آخر را پای صندوق‌های رأی می‌زنند، لذا ممکن است دچار اشکالاتی از جمله: جهل اکثریت رأی‌دهندگان، خرید آرا، ناصالح بودن منتخبین، نادیده گرفتن حقوق و آرای اقلیت‌ها، گردند. حال در این نوشتار قصد بر این است که آیا این‌گونه اشکالات در نظام مردم‌سالاری دینی نیز وجود دارد؟ اگر وجود دارد چگونه می‌توان با حفظ اصول و ارزش‌ها و با لحاظ مصالح نظام، مردم، اسلام و انقلاب، با این‌گونه اشکالات مقابله نمود؟

کلید واژه‌ها: مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردم، مشروعیت، اعتبار آرا.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): شمسایی، مریم (۱۴۰۰، بهار). «تبیین اعتبار رأی مردم در نظام مردم‌سالاری دینی با توجه به اشکالات دموکراسی‌ها». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۱۳، صص ۱۰۴-۸۵.

^۱ دانشجویار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

ایمیل: shamsaie2008@yahoo.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

دموکراسی به مفهوم ساختار خاصی از حکومت که صرف نظر از محتوا و ماهیت آن تمام یا اکثریت مردم دارای قدرت تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل مهم کشور خود هستند. مشارکت در حکومت‌های دموکراسی به‌عنوان اداره‌ی شخصی حکومت توسط افراد ابتدا در کشور یونان باستان که دارای مجالس متشکل از شهروندان بود شکل گرفت که امروزه نیز نمونه‌هایی از آن‌ها در کشورهای مختلف برگزار می‌گردد، از جمله در سواحل شرقی آمریکا، مجالس شهروندان در کانتون-های سوئیس، گروه‌های محلی در مناطق روستایی انگلستان و ... (بتنهام، ۱۳۸۹: ۱۸۸). الگوی حکومتی مردم سالار از زمان افلاطون (۴۲۷ قبل از میلاد مسیح) در اندیشه‌ی سیاسی بشری مطرح گردید اما در این الگو میزان مشارکت مردم محدود بود چراکه اکثریت اجتماع که زنان، جوانان، مهاجران و بردگان را تشکیل می‌داد حق حضور در این عرصه را نداشتند (نبوی، ۱۳۷۹: ۵۶). افلاطون در رابطه با مردم‌سالاری سه مسئله را مطرح نموده است:

۱) هر نوع حکومتی برای جامعه در نظر گرفته شود، حاکم جامعه باید از سه ویژگی مهم برخوردار باشد یعنی تقوی، علم و قدرت تدبیر. لذا پرسشی که در این‌جا مطرح می‌گردد و باید به آن پاسخ گفت این است که چگونه می‌توان مشارکت سیاسی عمومی را تنظیم نمود تا به انتخاب حاکم دانا و با تقوا و مدیر توانمند از میان آراء عمومی بیانجامد؟ چرا که این امکان وجود دارد اشخاص نادان و بی‌تقوا بر مسند حکومت قرار بگیرند چراکه تاریخ اثبات نموده امکان وقوع فرض مزبور وجود دارد.

۲) یکی از وظایف اصلی حکومت، پیشبرد جامعه به سوی اهداف متعالی می‌باشد؛ لذا پرسشی که در این رابطه مطرح می‌گردد، این است که مشارکت عمومی چگونه می‌تواند جامعه را به سوی اهداف متعالی رهنمون شود در حالی که خود در این مسیر وقفه و خدشه‌ای ایجاد ننماید؟

۳) حاکم دانا و با تقوا باید بتواند به‌همراه مشارکت عمومی در عرصه تصمیم‌گیری اجتماعی باعث استمرار بخشیدن و پایداری حاکمیت گردد. سؤالی که درصدد پاسخگویی به آن می‌باشیم این است که: چگونه می‌توان حاکمی دانا، با تقوا و مدیر را با مشارکت مردمی در نظام اجتماعی نهادینه و پایدار کرد و از سرکشی برخی افراد و سوق جامعه به سمت بی‌نظمی جلوگیری نمود؟

در این‌جا به پاسخ‌هایی که افلاطون به سؤالات مطروحه فوق‌الذکر بیان نموده است، می‌پردازیم: در پاسخ به سؤال اول این‌گونه بیان نموده که: مشارکت عمومی باید محدود باشد و در این راستا زنان و بردگان و افراد مهاجر را از گردونه مشارکت حذف نموده است؛ لذا تنها نخبگان اجتماعی به‌عنوان انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده باقی می‌مانند. لذا نگرانی انتخاب‌زمامدار با تقوا، دانا و مدیر به حداقل می‌رسد. افلاطون جهت پاسخ به سؤال دوم و سوم، مشارکت عمومی و نظارت اجتماعی را مبتنی بر قانون دانسته و قانون را مجموعه‌ای از علم، عرف و مذهب به‌شمار می‌آورد که می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی جامعه‌ای انسانی رهنمون شود. اما باید اذعان داشت که

دیدگاه افلاطون با شکست مواجه شد؛ چراکه خود در دولت شهرهای یونان مشاهده نمود که مشارکت عمومی در انتخاب زمامدار با تقوا، دانا و مدیر بسیار دشوار می‌باشد.

پس از افلاطون، ارسطو دیدگاه خود در ارتباط با دموکراسی را این‌گونه بیان می‌دارد که دموکراسی حکومت آزاد مردان است (ارسطو، ۱۳۳۷: ۱۶۲). در رابطه با ارزش این نوع حکومت می‌گوید:

«... اما دموکراسی (در میان حکومت‌های بد) میانه‌روترین آن‌هاست.»

و از طرفی وی معتقد است دموکراسی به معنای حکومت اکثریت بوده که بهتر از حکومت اندکی از مردم می‌باشد، چراکه توده‌ی مردم یک‌یک از فضیلت بی‌بهره باشند، اما چون قضاوت جمعی می‌نمایند، از قضاوت یک فرد بهتر است. خرد دسته جمعی را استعداد مردمانی می‌دانست که لیاقت حکمرانان جامعه را تشخیص می‌دهند. اما خودشان شایستگی حکمرانی را ندارند (طاهری، ۱۳۸۴: ج ۱: ۸۵ و ۸۶).

با روی کار آمدن اربابان کلیسا در اروپا تا زمان رنسانس، مشارکت مردمی هیچ جایگاهی نداشت. چراکه آن‌ها قدرت خود را چه از لحاظ عرفی و چه دنیوی، برتر از همه دانسته و نیازی به حمایت عموم مردم نمی‌دیدند. از بعد از رنسانس بود که بحث تفسیر جدید از حقوق مردم و به اعلامیه درآوردن این حقوق، حق مشارکت عمومی در حکومت مطرح گردید. این بار دموکراسی نه به‌عنوان بهترین حکومت‌های بد یا بدترین حکومت‌های خوب، بلکه به‌عنوان تنها مسیر روشن در اداره‌ی جوامع مطرح گردید. از طرفی مشارکت مردم در حکومت اسلامی زمان پیامبر اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام ملموس بوده، اما برای حاکمان اسلامی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام چندان مورد توجه نبوده است تا این که در عصر کنونی هم‌زمان با بحث دموکراسی در غرب، این شکل از حکومت‌داری توجه اندیشمندان مسلمان را نیز به خود جلب کرد.

۲. اشکالات مبانی دموکراسی

آنچه در نظریه مشارکت مردم که در حکومت‌های غربی مطرح شده با آن‌چه عملاً در کشورهای مدعی دموکراسی می‌گذرد، تفاوت‌های بسیار دارد. به‌طور مثال در آمریکا که به ظاهر رقابت احزاب و رأی‌گیری آزاد وجود دارد و قدرت به تناوب بین دو حزب عمده دست به دست می‌شود با این حال صحنه‌گردانان اصلی سیاست همواره واحدند و با تبلیغات مخرب و منحرف خویش آرای مردم را نیز عملاً در دست دارند. دموکراسی کشورهای شرقی نیز وضعی بهتر از آن‌چه در بلوک غرب دارد نداشته است. گرچه مردم‌سالاری یا دموکراسی در قرون جدید به‌عنوان یک شکل واحد حکومت در مقابل اشکال دیگر مطرح شد، اما به سرعت شقوق و نظریات مختلفی از آن ارائه

شد. به طوری که مردم سالاری دیگر یک شکل حکومتی تلقی نمی‌شد بلکه طیفی گردید که از کشورهای کمونیست شرق و کشورهای سرمایه‌داری غرب همه به نحوی، مدعی داشتن نوعی از آن بودند. با این حال قدر جامعی را به‌عنوان ملاک‌های اصلی دموکراسی در عصر جدید ذکر کرده‌اند که از آن جمله‌اند:

ایجاد زمینه و بستر مناسب سیاسی جهت رشد، خلاقیت و شکوفایی استعدادها در پرتو تضارب آرا و افکار و توسعه همه جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی.

مشارکت‌کنندگان با مذاکره و مشورت با دیگر افراد باعث هدایت و تجدید نظر در دیدگاه‌های شخصی خود و در جهت منافع عمومی می‌گردد.

حکومت‌هایی که با مشارکت عمومی مردم استقرار می‌یابد دارای ثبات سیاسی و اجتماعی بیش‌تری می‌باشد.

با عینیت یافتن و عملی شدن خواسته‌های مشارکت‌کنندگان آن‌ها در جهت ادامه مشارکت ترغیب و تشویق می‌گردند.

دولت درصدد پاسخگویی به افراد برآمده و با طیف وسیع‌تری از نیازها خود را هماهنگ می‌سازد.

چنان‌که ملاحظه می‌شود عموم مردم در حاکمیت کشورهای دموکراتیک جدید مشارکت دارند، مشروعیت نظام از مردم است و چیزی جز رأی مردم و نظر آنان که در اکثریت تجلی می‌کند مشروعیت ندارد. در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی مقبولیت و مشروعیت به یک معنا می‌باشد یعنی رضایت مردم. چراکه قانونی بودن هر امری وابسته به آرای عمومی مردم دارد. لذا در این حوزه مشروعیت و مقبولیت قابل تفکیک نمی‌باشد (جوان آراسته، ۱۳۸۲: ۱۷۱). اگر مشروعیت نظام به مردم است و انسان‌ها دارای آرای مختلف و نظرهای گوناگون هستند، طبیعاً این مردم در اثر تبلیغات احزاب سیاسی مختلف و بررسی عملکرد حاکمان، آرای مختلفی در هر دوره انتخاباتی خواهند داشت و قدرت، در دست حاکمان متناوب خواهد شد. مهم‌ترین صحنه مشارکت مردم در دموکراسی جدید حضور در انتخابات است، چراکه عملاً کثرت جمعیت در کشورهای فعلی جهان امکان مشارکت مستقیم مردم را در امور سیاسی - آن‌چنان‌که در دولت شهرهای یونان امکان داشت - به دست نمی‌دهد.

۲-۱. اولین اشکال: جهل اکثریت رأی دهندگان و خرید آرا

در جوامع دموکراتیک تعداد مردم عادی از تعداد نخبگان و فرهیختگان بیش‌تر می‌باشد؛ لذا در زمان انتخابات، آراء مردمان عادی بیش از نخبگان می‌باشد و از طرفی خطر نفوذ و فریب مردم بوسیله‌ی تبلیغات عوام فریبانه بسیار بیش‌تر از نخبگان می‌باشد. در این راستا ژان ژاک روسو معتقد است که هرگز نمی‌توان ملتی را فاسد نمود، ولی می‌توان، اغلب آن‌ها را گمراه کرد، آن وقت، چنین

به نظر می‌رسد که ملتی، زبان خود را می‌خواهد. در واقع، سه شکل در تبلیغات غربی به چشم می‌خورد:

۱- به دست آوردن آرای اکثریت مردم به هر شیوه و وسیله‌ی ممکن، تداعی کننده‌ی این جمله است: هدف وسیله را توجیه می‌کند.

۲- هدف تبلیغات، گرفتن قدرت تفکر از مخاطبین است. در این صورت، هر فرد رأیی را می‌دهد که قبلاً در ذهن او پدید آورده‌اند.

۳- در میان رقابت انتخابات، تنها کسانی پیروز خواهد شد که امکانات تبلیغی بیش‌تری دارند (سوئیزی، باتالوو، ۱۳۶۵: ۱۹).

بدین سان در نظام‌های دموکراسی آرای نخبگان با آرای جاهلان یکسان می‌باشد. دکتر شریعتی در این رابطه می‌گوید:

«آن‌ها (غربی‌ها) رأی قلابی را نیمه شب‌ها، پنهانی در صندوق‌های اخذ رأی نمی‌اندازند، رأی قلابی را شب و روز، آشکارا اما سخت عالمانه و ماهرانه در صندوق‌های خلق رأی یعنی مغزها و دل‌ها می‌افکنند بی‌آن‌که صاحب صندوق از آن آگاه شود و از این‌جاست که لیبرالیسم و دموکراسی واقعی و عملی آغاز می‌شود ... گاه نزدیک انتخابات می‌بینیم ناگهان صدها مقاله، ده‌ها کتاب، فیلم، تئاتر، هزاران گونه تبلیغ‌های مستقیم و غیرمستقیم با لحن‌ها و رنگ‌ها و جلوه‌های متنوع و جالب و مختلف، از نوشتن شرح حال گرفته تا چاپ عکس و اسم بر روی ران‌ها و پستان‌ها و دیگر نقاط حساس انتخاباتی و دموکراتیک مانکن‌ها و رقاصه‌ها و هنرپیشه‌های بسیار معروف و محبوب، در سینماها و دانسینگ‌ها و حتی پیاده‌روهای خیابان‌ها و گردشگاه‌ها و باغ‌های ملی، درباره‌ی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری از در و دیوار همه‌جا و به هر وسیله بر سر و روی مردم می‌ریزد. مگر شناخت‌ها و رأی‌ها و احساس‌های مردم چگونه شکل می‌گیرد؟ بسیار ساده لوحانه و خیالاتی خواهد بود اگر فرض کنیم توده ساده مردم که اکثریت را دارند و خواه ناخواه اکثریت آرا را، از طریق تحقیقات عمیق شخصی درباره‌ی کاندیداها و مبتنی بر یک طرز تفکر فلسفی و جامعه‌شناسی خاصی، با مطالعه و بررسی و تتبعات علمی و تحقیقات به یک رأی رسیده‌اند و راه خانه تا صندوق انتخابات را خود تعیین کرده‌اند. ... بی‌شک این پول است، این قدرت است که با استخدام تمام استعدادها و امکانات هنری و ادبی و اجتماعی ... رأی می‌سازد. آری، آزادند در دادن رأی اما برده‌اند در ساختن رأی» (شریعتی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۰).

۲-۲. دومین اشکال: ناصالح بودن منتخبین

یکی از مسائل قابل اهمیت در حکومت‌های دموکراتیک، انتخاب افراد اصالح جهت حکومت‌داری می‌باشد. رهبر و حاکم باید صلاحیت‌های لازم برای اداره حکومت را داشته باشد. چراکه مردمان بر

اساس شیوهی حاکمان حرکت کرده و با اشاره و رفتار آن‌ها، نوع رفتار و شیوهی خود را تنظیم می‌نمایند. در کشورهای غربی از آن‌جا که مبنای حکومت خواست و رأی اکثریت مردم می‌باشد، لذا ملاک‌های اصیل انسانی و الهی جهت انتخاب افراد مد نظر قرار نمی‌گیرد و هیچ‌گونه شرایط یا ضوابطی برای انتخاب حاکم وجود ندارد. تفاوتی ندارد که در این نظام هنر پیشه‌ای با سابقه نه چندان خوب انتخاب گردد یا یک شخصیت برجسته سیاسی (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۷۷: ۹۱). در کشورهای دارای حکومت لیبرال دموکراسی، قدرتمندان با قدرت تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی خود باعث می‌شوند که نقایص و نقاط ضعف خود را پنهان نمایند. حتی از قدرت تبلیغاتی گسترده‌ی خود در جهت تحمیل مردم خود استفاده می‌نمایند. لویی رنگه^۱ در این رابطه می‌گوید:

«در غرب، انتخابات آزاد است، ولی زمینه‌سازی تبلیغاتی که پیش از آن می‌شود، مردم را چنان مقهور و محدود می‌کند که بیشترشان بی‌اراده رأی می‌دهند. این زمینه‌سازی تبلیغاتی برای انتخابات جز به دست قدرت‌های سیاسی مالی امکان پذیر نیست» (رنگه، ۱۳۶۲: ۱۱۰).

به‌طور مثال انتخاب رئیس‌جمهور در کشور آمریکا که بالاترین فرد در نظام حکومتی می‌باشد، فقط از میان دو حزب دموکرات یا جمهوری خواه می‌باشد و احزاب دیگر به‌دلیل عدم توانایی مالی بالا، عدم برخورداری از حمایت افراد یا نهادهای سیاسی مؤثر و عدم حمایت لابی‌های اسرائیل از آن‌ها، نمی‌توانند درون این گردونه راه پیدا نمایند. لذا در کشورهای غربی لزوماً داشتن صلاحیت اخلاقی، علمی و ... دارای اهمیت نبوده، بلکه تنها رأی اکثریت مردم را که با زد و بندهای سیاسی و حزبی بدست آورده‌اند را ملاک قرار می‌دهند. لذا در غرب آن‌چه به‌نام دموکراسی وجود دارد، یک پوسته، سراب و ظاهری از دموکراسی بیش‌تر نیست؛ در حالی که ملت‌های غربی در این تفکرند که خود مقامات عالی را جهت حکومت بر خود انتخاب می‌نمایند؛ این درحالی است که صاحبان قدرت-های اقتصادی و سیاسی با در سیطره داشتن ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای، خواسته‌های خود را به مردمان خود دیکته می‌کنند. مردم ناخواسته در پای صندوق‌های رأی به صاحبان قدرت و ثروت رأی می‌دهند و نام آن را دموکراسی نهاده‌اند. دموکراسی در غرب، فریب و نیرنگی بیش نمی‌باشد و قدرت حقیقی در دستان کارتل‌های نفتی، صهیونیست‌ها، کارخانه‌داران، تولیدکنندگان سلاح، بانکداران که از مراکز قدرت و ثروت برخوردارند، می‌باشد.

۲-۳. سومین اشکال: نادیده گرفتن حقوق و آرای اقلیت‌ها

یکی از ارکان اساسی حکومت‌های دارای داعیه دموکراسی توجّه و احترام به حقوق اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های دینی و مذهبی، نژادی، ملی و ... می‌باشد. امروزه با توجّه به این‌که اقلیت‌ها با گرایش‌های متعدد در تمام کشورهای دنیا زندگی می‌نمایند، لذا توجّه به حقوق و جایگاه آن‌ها دارای

^۱. Louis Leprince- Ringuet

اهمیت فراوانی می‌باشد. لذا جهت این‌که کشورها خود را از حامیان حقوق بشر نشان دهند، رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند یکی از معیارهای ارزش‌گذاری برای آن‌ها باشد. بی‌توجهی و زیرپاگذاردن حقوق اقلیت‌های مذهبی خصوصاً مسلمانان در کشورهای غربی که خود را حامی حقوق بشر می‌دانند و هم‌چنین حکومت خود را دموکراسی می‌نامند، بسیار مشهود می‌باشد. این مسئله به لحاظ تاریخی به دهه ۸۰ میلادی باز می‌گردد؛ چراکه در این دهه بنیادگرایی اسلامی جهان اسلام بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سر گرفته شد. چراکه انقلاب اسلامی در ایران باعث بیداری اسلامی در میان مسلمانان جهان گردید (مردان ۱۳۷۹: ۳۸۰). در ادامه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ ایالات متحده آمریکا درصدد برآمد تا یک دشمن فرضی یا واقعی را جایگزین نظام کمونیستی نماید لذا اسلام را به‌عنوان دشمن اصلی خود مطرح نمود (سعید، ۱۳۷۹: ۳۸۰).

در ۱۹۹۳م. ساموئل هانتینگتون^۱ نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها^۲ را مطرح نمود که تعدادی از تمدن‌ها از جمله تمدن اسلامی، کنفوسیوسی، ژاپنی، ارتدوکس، آمریکای لاتین و آفریقا را نام برد که جایگزین نظام کمونیستی می‌گردند تأکید بیش‌تر وی بر تمدن اسلامی بود. که تعدادی از محافل غربی تحت عنوان تجدید حیات اسلامی و برخورد اسلام و غرب ارائه گردید. لذا منبع اصلی درگیری‌ها را پس از فروپاشی شوروی و نظام کمونیسم فرهنگ می‌دانند. در یازده سپتامبر سال ۲۰۱۱ با حمله به برج‌های دوقلو در آمریکا، دوباره بهانه به‌دست آن‌ها افتاد که با تبلیغات گسترده‌ی خویش بر علیه اسلام و مسلمانان بتازند. از طرفی کشورهای غربی که مدعی حمایت از حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های دینی هستند، خود قوانین تبعیض‌آمیز ضد حقوق اقلیت‌های مسلمان تصویب نموده‌اند که از جمله می‌توان به قانون منع حجاب معلمان در مدارس و دانشگاه‌ها مصوب سال ۲۰۰۶ در آلمان و مانع شدن از تحصیل دختران مسلمان آلمانی به دلیل داشتن حجاب و هم‌چنین قانون منع ثبت اسلام در هنگام تولد یا طلاق در سال ۲۰۰۸ اشاره نمود. به‌طور مثال مسلمانان ترک در آلمان خواهان نماینده‌ای در مراجع قانون‌گذاری می‌باشند تا از حقوق آنان دفاع گردد؛ ام‌اف تاکنون موفق به تحقق این موضوع نبوده‌اند. مسلمانان ساکن در انگلستان نیز با مشکلاتی نظیر آن مواجه هستند (Cesari, 2003: 251-268).

در کشور انگلیس، روزنامه «دیلی میل» در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵ (۲۲ خرداد ۹۴) از نامه‌ی مسئولان دبستان «برکلی» لندن خطاب به والدین دانش‌آموزان مسلمان خبر می‌دهد که دانش‌آموزان ممنوعیت روزه گرفتن دارند. در کشور فرانسه نیز مسلمانان با مشکل مذهب روبه‌رو بوده تا جایی که زنان و دختران مسلمان اجازه حضور در دانشگاه‌ها و محل کار، با حجاب اسلامی را ندارند و از

۱. Samuel Phillips Huntington

۲. The Clash of Civilizations

طرفی شاهد توهین مجله‌ی فرانسوی «شارلی ابدو» در چاپ کاریکاتور و تصاویر توهین آمیز به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشیم (به نقل از وب سایت خانه تقریب: ۱۳۹۴/۲/۲۱).

این مشکلات اساسی ایجاد شده جهت مسلمانان در کشورهای غربی در حالی صورت می‌گیرد که براساس منشور ملل متحد سال ۱۹۴۵م، اصل عدم تبعیض در بند سوم ماده اول و بند(ج) ماده ۵۵ آورده است که کلیه دولت‌های عضو سازمان ملل، متعهد به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا دین خواهند بود. و همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م. مطابق ماده دوم این اعلامیه:

«هر فردی بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌های اعلام شده در این اعلامیه برخوردار است.»

تنها جایی که مستقیماً به حقوق اقلیت‌ها اشاره گردیده، در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی، دسامبر ۱۹۶۶ ماده ۲۷ می‌باشد که اعلام گردیده:

«در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت - های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.»

بنابراین با توجه به این که در کشورهایی که مدعی رعایت حقوق بشر می‌باشند، اما در بسیاری از مواقع در برخورد با اقلیت‌های مسلمان، بی‌عدالتی و بی‌انصافی روا داشته و نه تنها که در زمینه‌های مشارکت عمومی هیچ جایگاهی ندارند، که از کوچک‌ترین حق که همانا داشتن امنیت است، محروم می‌باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تلاش‌های علمی و پژوهشی

۳. مردم سالاری در اندیشه اسلامی: «مردم سالاری دینی»

نقش مردم در حکومت برای حاکمان اسلامی پس از عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام چندان مورد توجه نبوده است و در نظریات حکومتی که در عصر اندیشمندان اسلامی عرضه شده است، عموماً به وظایف حاکم پرداخته‌اند. در عصر جدید که این بحث هم‌زمان با بحث دموکراسی جدید در غرب مطرح شد، توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد. بحث‌هایی که روشنفکران مصری درباره‌ی مشروعیت خلافت مطرح کردند و بعضاً آن را با ابهام و تردید مواجه ساختند، در حقیقت آغاز این بحث از سوی اندیشمندان سنی مذهب بود. در اندیشه‌ی شیعی نیز این بحث‌ها با نظریه‌ی میرزای نائینی در حکومت اسلامی و ذکر حقوق ملت در این باره جانی دوباره گرفت. البته با توجه به اعتقاد شیعیان به ائمه اثنی عشر علیهم السلام که همگی منصوب از

جانب پروردگار هستند و با وجود ولایت آنان هیچ فرد دیگری مشروعیت خلافت و امامت نخواهد داشت، بعضی زمان غیبت را نیز چون زمان حضور شمرده‌اند و انتخاب مردم و مشارکت آنان در تعیین حاکم را، هم‌چنان که در عصر حضور مطرود است، در عصر غیبت نیز شرعی ندانسته‌اند. بدین ترتیب در همان عصر که میرزای نائینی اندیشه مردم‌سالاری خود را مطرح می‌ساخت - با قیودی که در این نظریه مطرح می‌کرد - عده‌ای نظارت نمایندگان عامه بر کار هیأت حاکمه را به منزله‌ی دخالت در کار امام می‌دانستند و محکوم می‌کردند. عده‌ی دیگر نیز در استدلال خود چنین می‌گفتند که چون نظارت عامه یا نمایندگان آنان مستلزم دخالت در سیاست است و دخالت در سیاست به اصطلاح شرعی جزء امور حسبیه است و امور حسبیه نیز جزء تکالیف عامه به‌شمار نمی‌آید، لذا عموم مردم حق دخالت در سیاست را ندارند(قاضی زاده، ۱۳۷۸: ۲۲۱-۲۱۹).

البته میرزای نائینی در جواب تأکید دارد که اولاً، امور سیاسی از یک لحاظ جزء امور حسبی ولی از لحاظ دیگر جزء تکالیف عمومی است، زیرا هرچند انتخاب امام یا ولی عهد از وظایف عامه نیست، ولی اگر حکومت بر اساس رأی مردم و مشورت ملی قرار گیرد، در این صورت مردم حق دارند بر کارهای هیأت حاکمه و نیز مصرف مالیات و صدقاتی که می‌پردازند نظارت کنند. ثانیاً، دخالت مردم به این دلیل که از تجاوز ظلم فرمانروایان جلوگیری کنند، نهی از منکر است و از این لحاظ جزء تکالیف عمومی است، زیرا نهی از منکر و امر به معروف از فروع دین و امری واجب است(به نقل از همان، ۱۳۷۸: ۲۲۲).

با استفاده از بیانات فوق در تعریف مردم‌سالاری دینی می‌توان گفت «مردم‌سالاری» شکلی از حکومت است که ساختار و شکل اجرایی در آن بر اساس مدل دموکراسی است که با دخالت مستقیم یا غیر مستقیم اکثریت مردم تنظیم شده؛ ولی محتوای آن را مذهب امامیه دربر گرفته است و در آن مردم در چارچوب شریعت منشأ اثر می‌باشد. به عبارت دیگر، نظر مردم در طول قانون الهی قرار می‌گیرد و نه در عرض آن. در چنین حکومتی چون دین محور امور است، خواسته‌های مردم در جهت انطباق با خواست دین هدایت می‌شود، نه این که دین در جهت خواست مردم دگرگون شود(وحیدی منش، ۱۳۸۴: ۴۵ و ۴۶).

در این جا اشاره به نکته‌ای خالی از لطف نیست. آن نکته این است که نباید تصور شود که «مردم‌سالاری دینی» همان حکومت متدینان است؛ بلکه «مردم‌سالاری دینی»، حکومت نفس دین است. در چنین حکومتی دین در تمام عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و در تصمیم‌گیری‌ها و گزینش مسئولان و ... و به‌طور کلی در شبکه‌ی ارتباطی جامعه حضور جدی و فعال دارد. بنا بر همین اصل، حضرت امام خمینی رحمت الله علیه حکومت دینی را حکومت قانون الهی، یعنی فقه می‌دانند([آیت الله] خمینی، ۱۳۷۸: ۵۳). در مردم‌سالاری دینی برخلاف دموکراسی غربی، مشروعیت و مقبولیت قابل تفکیک می‌باشد؛ بدین معنا که هر نوع اعطای مشروعیت جهت منصب ولایت از جانب شارع مقدس می‌باشد و مقبولیت آن از سمت و سوی مردم و با اراده‌ی جمعی آن‌ها قابل

حصول می‌باشد. پس در نظام حکومتی مردم سالاری دینی، مشروعیت آن برخاسته از مواضع شرعی و ولایت الهی است و مقبولیت آن وابسته به آرای عمومی و پشتیبانی مردم است (جوان آراسته، ۱۳۸۲: ۲). آیت الله جوادی آملی معتقد است:

«مشروعیت ولایت و حکومت فقیه، از ولایت تشریحی الهی سرچشمه می‌گیرد، اساساً هیچ‌گونه ولایتی جز با انتساب به نصب و اذن الهی، مشروعیت نمی‌یابد، و هرگونه مشروع دانستن حکومتی جز از این طریق نوعی شرک در ربوبیت تشریحی الهی به شمار می‌رود» (صفری، ۱۳۷۶: ۶۸).

۴. راه حل‌های نظام مردم سالاری دینی برای اشکالات دموکراسی غربی

۴-۱. راه حل اولین اشکال: صلاحیت عرفی و شرعی رأی دهندگان و محافظت

از آرای آن‌ها

در کشورهای اسلامی آرای مردم از قداستی معنوی و ذاتی برخوردار است چرا که نشان از خواسته‌های عمیق یک ملت را دارد. از آنجایی که در نظام‌های اسلامی مردم از تربیت اسلامی برخوردار می‌باشند، بنابراین افرادی را که جهت رهبری حکومت انتخاب می‌نمایند، باید دارای صلاحیت شرعی و عرفی باشند. لذا تربیت اسلامی و بینش مذهبی افراد جامعه اسلامی به آن‌ها در برگزیدن افرادی که مصالح سیاسی و الهی را در نظر بگیرند، کمک شایانی می‌نماید از طرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند «لا تجتمع امتی علی خطاء» (بحار الانوار، ۱۴۱۲ هـ ق، ج ۴۸۵) بدین معنا که امت من بر خطا تجمع نمی‌کنند و هم‌چنین انسان‌ها عموماً به خیر تمایل دارند تا به شر مگر این که اشتباهاتی را بر آن‌ها تحمیل کنند و موانعی را بر سر راهشان قرار دهند. اما این مسئله را انسان‌ها باید بدان توجه داشته باشند که ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها توسط انبیاء از طریق وحی الهی برای آن‌ها مشخص گردیده و با تابعیت از دستورات دین و پیامبران می‌توان آن‌ها را سرلوحه‌ی خود قرار داده تا بتوانند، رهبری با شرایط عنوان شده در اسلام را برگزینند. امام علی علیه السلام معتقد است که انتخاب رهبر باید توسط مردم انجام شود و این سخن ایشان مؤید این مطلب می‌باشد، زمانیکه فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ عَنِ مَلَأٍ وَأُذُنٍ إِنَّ هَذَا أَمْرُكُمْ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مَنَّا مَرْتَمٌ ...»

«ای مردم انبوه و هوشمند، امر حکومت از آن شما است هیچ کس حق ندارد آن را به خود اختصاص دهد، مگر آن کسی که شما او را امیر و حاکم نمایید» (به نقل از ابن اثیر جزری، ۱۹۶۵ م: ج ۹۹/۳).

این اشکال را می‌توان به انتخاب مرجع تقلید نقض نمود که به مردم سپرده شده تا بوسیله‌ی علم خودشان و یا به استناد اشتهار مفید علم و شهادت خبرگان عادل او را برگزینند. از طرفی تا زمانی که هشت شرط^۱ انتخاب شونده در حکومت اسلامی رعایت گردد، ضرر نمی‌زند. بهترین روش جهت حل این معضل این است که در حکومت مردم‌سالار دینی انتخاب دو مرحله‌ای می‌باشد، یعنی ابتدا مردم خبرگان عادل را برمی‌گزینند، سپس خبرگان رهبر را انتخاب می‌نمایند که در این صورت اطمینان از صحت انتخاب بیش‌تر می‌گردد (منتظری، ۱۳۹۶: ۲۳۹ و ۲۴۰). در نظام اسلامی جهت انتخاب افراد اصلاح‌تدابیری اتخاذ شده است تا عوارض زیانبار این اشکال را به حداقل برساند. با توجه به این که رأی اکثریت اگرچه بنا بر مصلحت نباشد، اما در جوامع دموکراسی مینا می‌باشد. لذا در کشوری مانند ایران که دموکراسی اسلامی برقرار است، جهت جلوگیری از این مشکل، نهاد شورای نگهبان را به‌عنوان ناظر در انتخاب افراد اصلاح در نظر گرفته است.

۴-۲. راه حل دومین اشکال: انتخاب صالحین

یکی از شرایط مهم برای حاکم، صالح بودن وی جهت حاکمیت می‌باشد چراکه مردم، حاکمان را الگوی خود قرار داده و رفتار خود را با شیوه و رفتار آن‌ها تنظیم می‌نمایند. در این راستا حضرت علی^{علیه السلام} در نهج البلاغه می‌فرماید:

«فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ، وَنَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ»

«پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن‌که زمامداران اصلاح گردند، و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت» (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۳).

برخی از افراد بدون در نظر گرفتن مصلحت جامعه از روی جهل یا تعصبات خاص قومی و قبیله‌ای یا مقاصد حزبی و سیاسی افراد ناصالح را انتخاب می‌نمایند. به بیان امام علی^{علیه السلام}، جهت انتخاب رهبر توسط مردم در جامعه اسلامی باید دو نکته مهم در شخصیت رهبر منتخب مد نظر قرار بگیرد: یکی داشتن بینش سیاسی قوی و دیگری داشتن بینش دینی وسیع (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۷۳).

یکی از راه‌های مفید جهت جلوگیری از ورود افراد ناصالح به بدنه‌ی نظام اسلامی، استفاده از نظارت همگانی و هم‌چنین ارگان‌های نظارتی که دارای ضمانت اجرایی حقوقی می‌باشد؛ تا بدین وسیله، ناظر بر عملکرد مسئولین نظام اسلامی باشند. اسلام نظارت بر رهبر جامعه را مختص به

^۱. شرایط رهبر به حکم کتاب و سنت، عقل، اسلام و ایمان، عدالت، دانش فقه، قدرت و حسن مدیریت، آلوده نبودن به خصلت‌های بد، مرد بودن، پاکزادی (منتظری، ۱۳۹۶: ۱۷۰-۱۴۷).

ارگان‌های نظارتی ندانسته، بلکه معتقد به نظارت همگانی بر سرنوشت خود است که این امر در قانون امر به معروف و نهی از منکر نمود پیدا می‌کند. چنان که قرآن می‌فرماید:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (سوره توبه/آیه ۷۱)

«و مردان و زنان مؤمن همه باور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است.»

لذا در جامعه‌ی اسلامی هر فرد مسلمان موظف است که به اصلاح امور دیگران همت گمارد و مشوق خوبی‌ها باشد و از بدی‌ها ممانعت نماید. در این رابطه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْصَحَهُ»

«از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن این است که یکدیگر را نصیحت کنند.»

بنابراین اسلام با وضع قانون امر به معروف و نهی از منکر، سیستم نظارتی و کنترل فراگیری را بوجود می‌آورد که بر اساس انجام واجب الهی فرد را مکلف می‌کند تا حرکت‌های مثبت و منفی دیگران را زیر نظر بگیرد و در موارد لازم عکس العمل مناسب را در زمینه‌ی تأیید و تخریب نشان بدهد (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۴۶۲).

باید یادآور شد که انتخاب رهبران در حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خداوند و در زمان ائمه اطهار علیهم السلام از سوی خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد که به نصب خاص معروف است؛ یعنی شخصی خاص و فردی حقیقی، از سوی شخصیتی دارای صلاحیت، برای سمتی برگزیده شود. بنابراین، نصب خاص آن انتصابی است که از طرف خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق حکم خاصی نسبت به فرد خاصی اعلام شده که این را منصوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام می‌دانیم. اما در نصب عام بدین معناست که همه‌ی فقهای جامع شرایط در زمان غیبت از سوی ائمه علیهم السلام دارای صلاحیت برای تصدی امور شناخته شده‌اند. این سخن به معنای شأنیت داشتن ولایت آن‌ها و نه فعلیت داشتن ولایت همه‌ی آن‌هاست که موجبات هرج و مرج یا اختلال نظام را پیش آورد (صفری، ۱۳۷۶: ۱۰۵). از طرفی ارگان‌های نظارتی نیز نقش بسزایی جهت نظارت بر کارکرد رهبر جامعه اسلامی دارند؛ از جمله نمایندگان مجلس خبرگان که توسط مردم انتخاب شده و آن‌ها ولی فقیه را انتخاب نموده و بر کارکرد وی نظارت می‌کنند (شمسایی، ۱۳۹۶: ۶۴).

۳-۴. راه حل سومین اشکال: احترام به حقوق و آرای اقلیت‌ها در نظام مردم-

سالاری دینی

در نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی که ریشه در سیره نبوی دارد، با صراحت به مراعات حقوق بشر و مذاهب توصیه گردیده است. در اسلام در ارتباط با مصونیت همه جانبه اقلیت‌های دینی و مذهبی به دو صورت در پیمان‌های اقلیت‌ها ذکر شده؛ یکی خودداری از هرگونه تجاوز به جان، مال، ناموس متحدهای دمی (محقق حلی، ۱۳۶۰: ج ۱/۱۳۵). دوم، حمایت و تأمین جانی، مالی و عرضی اقلیت‌ها و دفاع از آن‌ها در برابر تجاوز بیگانگان. پروردگار متعال در کتاب قرآن می‌فرماید:

«وَأَنَّمَا يَنهَاهُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه / آیه ۱۱).

«شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و یا به بیرون راندن شما کمک کردند، هرکس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ستمگر است.»

در آیه آمده است که تا مادامی که اقلیت‌ها بر ضد اسلام و مسلمانان تعدی و تجاوزی نداشته‌اند، آزادند و مسلمانان باید با آن‌ها خوش‌رفتار باشند و با عدالت و نیکی برخورد نمایند. اما زمانی که آن‌ها تلاش نمودند که بر ضد مسلمانان تخطئه نمایند باید با آن‌ها برخورد نموده و از آن‌ها دوری نمود. در آیه دیگر نیز می‌فرماید:

«وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِنَّمَا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّمَا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت / آیه ۴۶).

«با اهل کتاب به جز به طریق نیکو مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کرده‌اند. به آنان بگویید به کتاب خویش و کتاب شما ایمان داریم خدای ما و خدای شما یکی است و ما مطیع او هستیم...»

در احادیث و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز به مسلمان توصیه گردیده که با اهل کتاب با رفق و مدارا رفتار شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هر کس اهل ذمه را اذیت کند من دشمن او هستم و روز قیامت از او انتقام خواهیم گرفت»
به نقل از سبحانی، ۱۳۹۰: ۶۴۹.

از امام علی علیه السلام نیز نقل گردیده:

«اینان که با ما پیمان بسته‌اند بدان دلیل به ما جزیه می‌پردازند که تحت حمایت ما، اموالشان مانند اموال ما و خونشان مانند خون ما محترم و مصون باشند» (به نقل از الزحیلی، ۱۹۹۲: م: ۷۲۹).

در نظام جمهوری اسلامی ایران که حکومت بر اساس نظام مردم سالاری دینی می‌باشد، در قانون اساسی آن که به نظر بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران از رین قوانین اساسی دنیا می‌باشد، به‌طور شفاف و واضح و هم‌چنین بر اساس عدل و عدالت مبانی حقوقی اقلیت‌ها را مشخص نموده است بر این اساس در اصل چهاردهم آمده است که به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. یا طبق اصل نوزدهم قانون اساسی:

«مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

۵. نتیجه‌گیری

بدیهی‌ترین نتیجه در این مقاله این است که صالح‌ترین و ایده‌آل‌ترین نوع حکومت، حکومتی است که الهی باشد و رهبران آن منصوب از طرف خداوند باشند. شیعیان معتقد هستند حکومت در ابتدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفویض گردیده و از طرف ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام و پس از ایشان یعنی در زمان غیبت امام عجل الله تعالی حکومت هم‌چنان الهی و تنصیصی می‌باشد و هیچ حکومتی صالح‌تر از این نوع در جهان وجود ندارد. زمانی که معصومین علیهم السلام در جامعه جهت به عهده گرفتن رهبری جامعه حضور ندارند کم‌اشکال‌ترین نوع حکومت مردم بر مردم در چارچوب دین مبین اسلام می‌باشد. مردم در جامعه اسلامی برخلاف جوامع غربی، دارای تربیت و بینش اسلامی بوده لذا در برگزیدن رهبران خود هم مصالح الهی هم مصالح ملی را در نظر گرفته است؛ لذا با ترس از عذاب الهی سعی در انتخاب اصلح‌ترین افراد داشته و از معامله دنیوی با آرا خود جلوگیری می‌کند و هم‌چنین برای منتخبین خود شرایطی را قائلند که به‌جای پیروی از افکار عمومی از مصالح عمومی پیروی می‌کنند. بنابراین در نظام مردم سالاری دینی بسیاری از اشکالات موجود در نظام دموکراسی غربی منتفی می‌باشد؛ اگر این نوع حکومت نسبت به حکومت الهی فاصله دارد، اما به هر حال بهتر از حکومت‌های اومانیستی می‌باشد. حکومتی که پایه‌های آن مبتنی بر قرآن و احادیث و روایات باشد اگرچه به پایه حکومت الهی، تنصیصی نمی‌رسد اما بسیاری از اشکالات حکومت‌های غیرالهی را ندارد.

منابع

- قرآن- عربی- فارسی (۱۳۷۶). ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات و تاریخ و معارف اسلامی، دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۷). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابراهیم زاده آملی، نبی‌الله (۱۳۷۷). حاکمیت دینی. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ابن اثیر جزری (۱۹۶۵ م.). *الکامل فی التاریخ*. ج ۳، بیروت: دار الصادر.
- ارسطو (۱۳۳۷). *سیاست*. ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات نیل.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر*، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م. به نقل از www.religionscenter.com تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۰۲/۲۲.
- بنتهام، دیوید (۱۳۸۹). *دموکراسی*. تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مجد.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۲). *میانی حکومت اسلامی*. قم: بوستان کتاب.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رنگه، لویی بیونس (۱۳۶۲). *فردا چه خواهد شد*. ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران: مطبوعاتی عطایی.
- الزحیلی، وهبه (۱۹۹۲ م.). *آثار الحرب فی الاسلام*. بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). *مسائل جدید کلامی*. قم: مؤسسه امام صادق.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۹). *اسلام رسانه‌ها*. ترجمه اکبر افسری، تهران: توس.
- سوئیزی، پل باتالوو (۱۳۶۵). *نقدی بر پاره‌ای از نظریه‌های رایج در سرمایه داری غرب*. ترجمه فرهاد نعمانی و منوچهر سنجیان، تهران: جاویدان.
- شریعتی، علی (۱۳۹۳). *امت و امامت*. مشهد: سپیده باوران.
- شمسایی، مریم (۱۳۹۶). *مردم سالاری و حکومت دینی در اندیشه سیاسی امام خمینی*. تهران: مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان.
- صفری، نعمت‌الله (۱۳۷۶). «انتصاب و انتخاب». *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال دوم، شماره ۴، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب*. ج ۱، تهران: نشر قومس.
- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴). *قرآن، مدیریت و علوم سیاسی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عفیف طباره، عبدالفتاح (۱۳۸۸). *روح الدین الاسلامی*. ترجمه ابوبکر حسن زاده، سندنج: تافگه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲). *حقوق اقلیت‌ها*. چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۸). *ولایت فقیه و حکومت اسلامی در منظر امام خمینی*. تهران: نشر کنگره.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۲ ه.ق.). *بحار الانوار*. ج ۲، چاپ اول، تحقیق گروهی از علماء. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلّی، ابوالقاسم (۱۳۶۰). *شراعیع الاسلام*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مردان، سیمون (۱۳۷۹). *تقابل فرهنگی در روابط بین الملل اسلام و غرب*. ترجمه احمد علیخانی، تهران: آرین.

منتظری، حسینعلی (۱۳۹۶). *مبانی مردم سالاری در اسلام*. ترجمه و پاورقی بهرام شجاعی، تهران: سرایی. نبوی، عباس (۱۳۷۹). *مردم سالاری در حاکمیت اسلامی*. تهران: انتشارات تمدن و توسعه اسلامی. وب سایت خانه تقریب (مرکز هم اندیشی ادیان توحیدی) (۱۳۹۴). «عدم رعایت حقوق اقلیت ها؛ نقض حقوق

وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۴). *مقایسه مبانی مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرالی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

Cesari, Jocelyne (2003). *Muslim Minorities in Europe: The Silent Revolution*, In: *Modernizing Islam : Religion in the Public Sphere in the Middle East and in Europe*, Rutgers University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Research Article

Explaining the validity of the people's vote in a religious democracy in view of the problems of democracies

Maryam Shamsaie¹

Date of received: 2021/01/09

Date of Accept: 2021/02/03

Abstract

Democracy is a type of government that most countries in the world today acknowledge in order to gain legitimacy and maintain their political life. After the collapse of the communist system, democracy was considered as the only irreplaceable government and the most desirable way of political life, so it has become an obvious and definite idea in terms of reason and political custom. The most famous and well-known democracy in the world is Western democracy or liberal democracy, the concept and application of which is based on the attitude of humanism. On the other hand, after the victory of the Islamic Revolution in Iran, another type of democracy was introduced to the world, which is a religious democracy. Despite the many advantages that democracies have, they also have the major drawbacks that because in a certain process it is the common people who have the last word at the ballot box, so they may have problems such as: ignorance of the majority vote. Voters, vote buying, inefficiency of the elected, disregard for the rights and votes of minorities. Now, in this article, we intend to ask whether there are such problems in the system of religious democracy? If there is, how can such problems be confronted by preserving the principles and values and in the interests of the system, the people, Islam and the revolution.

Keywords: Religious Democracy, People's Participation, Legitimacy, Validity of Votes.

Citation (APA 6th ed.): Shamsaie, Maryam(2021, Spring). "Explaining the validity of the people's vote in a religious democracy in view of the problems of democracies". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 1, S.No. 13, pp. 85 - 104.

¹. Associate Professor, Department of Islamic Education, School of Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Email: shamsaie2008@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Quran. Arabic Persian* (1376). Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand. Tehran: Office of Islamic Studies, History and Education, Dar al-Quran al-Karim.
- Nahj al-Balaghah* (1998). Translated by Seyyed Jafar Shahidi, Tehran: Scientific and Cultural.
- Ebrahimzadeh Amoli, Nabiullah (1377). *Religious rule*. Tehran: Islamic Research Institute.
- Ibn Athir Jazri (1965). *Complete in history*. C 3, Beirut: Dar Al-Sadr.
- Aristotle (1337). *Politics*. Translated by Hamid Enayat, Tehran: Nil Publications.
- Universal Declaration of Human Rights*, December 10, 1948. <http://www.religionscenter.com> Accessed 22/02/1399.
- Bentham, David (1389). *Democracy*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Complex.
- Young Arasteh, Hossein (1382). *Fundamentals of Islamic Government*. Qom: Book Garden.
- Khomeini, Ruhollah (1378). *Velayat-e-Faqih (Islamic Government)*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Ranga, Louis Beyonce (1362). *What will happen tomorrow*. Translated by Ali Akbar Kasmaei, Tehran: Atai Press.
- Al-Zuhaili, Wahba (1992). *The effects of war in Islam*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Sobhani, Jafar (1390). *New verbal issues*. Qom: Imam Sadegh Institute.
- Saeed, Edward (1379). *Islam Media*. Translated by Akbar Afsari. Tehran: Toos.
- Sweezy, Paul Batalow (1365). *A critique of some of the common theories in Western capitalism*. Translated by Farhad Nomani and Manouchehr Sanajian, Tehran: Javidan.
- Shariati, Ali (1393). *Ummah and Imamate*. Mashhad: Sepideh Bavaran
- Shamsai, Maryam (1396). *Democracy and religious rule in Imam Khomeini's political thought*. Tehran: Arshadan Educational Institute.
- Safari, Nematullah (1376). "Appointment and selection". *Islamic Government Quarterly*, Second Year, No. 4, Qom: Secretariat of the Assembly of Experts.
- Taheri, Abolghasem (1384). *History of political thought in the West*. Volume 1, Tehran: Qoms Publishing.
- Abbasnejad, Mohsen (1384). *Quran, Management and Political Science*. Mashhad: Quranic Research Foundation and University.
- Afif Tabareh, Abdul Fattah (1388). *Ruh al-Din al-Islami*. Translated by Abu Bakr Hassanzadeh, Sanandaj: Tafgeh.
- Amid Zanjani, Abbas Ali (1362). *Minority rights*. Second Edition, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Ghazizadeh, Kazem (1378). *Velayat-e-Faqih and Islamic government in the perspective of Imam Khomeini*. Tehran: Congress Publishing.
- Constitution of the Islamic Republic of Iran*

- Majlisi, Muhammad Baqir (1412 AH). *Bahar-ol-Anvar*. C2, first edition, research of a group of scholars. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Mohaghegh Hali, Abolghasem (1360). *Sharia of Islam*. Fourth Edition, Tehran: University of Tehran Press.
- Men, Simon (1379). *Cultural confrontation in the international relations of Islam and the West*. Translated by Ahmad Alikhani, Tehran: Arian.
- Montazeri, Hossein Ali (1396). *Fundamentals of Democracy in Islam*. Translation and footnote by Bahram Shojaei, Tehran: Sarai.
- Nabavi, Abbas (1379). *Democracy in Islamic Sovereignty*. Tehran: Islamic Civilization and Development Publications.
- Website of the House of Approximation* (Center for Monotheistic Religions) (2015). "Failure to respect the rights of minorities; Violation of rights
- Vahidi Manesh, Hamza Ali (1384). *Comparing the Foundations of Religious Democracy and Liberal Democracy*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Cesari, Jocelyne (2003). *Muslim Minorities in Europe: The Silent Revolution, In: Modernizing Islam: Religion in the Public Sphere in the Middle East and in Europe*. Rutgers University Press.



شیراز کاہ علوم القرآن و مطالعات اسلامی

سال ۱۴۰۰ھ